

تبیین و تحلیل نقش و اهمیت نظامی سواحل جنوبی دریای کاسپی در حفظ امنیت شاهنشاهی ساسانی (۶۵۱-۲۲۲م.)

سید حبیب حسینی و لشکلائی^۱

محمدکریم یوسف جمالی^۲

اسماعیل سنگاری^۳

سهیلا ترابی فارسانی^۴

چکیده

موقعیت اقلیمی ویژه سواحل جنوبی دریای کاسپی که در بخش شمالی قلمرو ساسانیان قرار داشت، در وقوع رویدادهای این منطقه تأثیرگذار بود. نواحی جنوب شرقی دریای کاسپی که ایالت گرگان و دهستان را در بر می گرفت، به واسطه جایگاه آن، در حد فاصل میان سرزمین ساسانیان با طوایف بیابانگرد از مناطق حساس نظامی و راهبردی محسوب می شد. از یک سو، اقوام ساکن در این منطقه خواهان استقلال نسبی بودند و از سوی دیگر، ساسانیان از سمت شمال و شمال شرقی پی در پی در معرض تهاجم اقوام بیابانگرد قرار داشتند. به کارگیری نیروی نظامی اقوام جنگجوی ساکن در سواحل جنوبی دریای کاسپی در عصر ساسانی اهمیت زیادی داشت. در این دوره، استحکامات متعددی در سواحل جنوبی دریای کاسپی به منظور جلوگیری از تهاجم اقوام بیابانگرد ساخته شدند که کاربری نظامی-مسکونی و راهداری-ارتباطی داشتند. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر شواهد ادبی و مکتوب، استحکامات دفاعی، استقرارگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی ساسانیان را مشتمل بر دیوارها، دژها و تنگه یا دربند در سواحل جنوبی دریای کاسپی تشریح نماید و جایگاه و نقش اقوام مهاجم شمال شرقی و شمالی در قفقاز را واکاوی و تحلیل کند.

▪ واژگان کلیدی:

ساسانیان، دریای کاسپی، سواحل جنوبی، اهمیت نظامی، امنیت.

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد-ایران hosseinibastan49@gmail.com

^۲ استاد گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد-ایران (نویسنده مسئول) karimjamali.2000@gmail.com

^۳ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان-ایران e.sangari@ltr.ui.ac.ir

^۴ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد-ایران tfarsani@yahoo.com

مقدمه

موقعیت خاص سواحل جنوبی دریای کاسپی در عصر ساسانی موجب شد که شاهان این سلسله از نظر نظامی و راهبردی توجه ویژه‌ای به آن منطقه نشان دهند. وضعیت سخت منطقه چه از لحاظ معیشتی و چه راهبردی، اقوام ساکن را جنگجویانی دلیر و سلحشور ساخته بود و بدین سان، ساسانیان از نیروی نظامی آنها بهره می‌بردند. این اقوام، هنگام دفاع از کشور و جنگ با بیگانگان از بزرگ‌ترین قوای کشور محسوب می‌شدند.

در دوره ساسانی، ایالت گرگان و گاه ایالت گیلان که از ممالک پادشاهنشین بودند و در پیرامون قلمرو این دولت قرار داشتند، از سوی یکی از شاهزادگان ساسانی یا حاکم مستقیم دولت مرکزی اداره می‌شدند؛ اما بقیه مناطق سواحل جنوبی از جمله تپورستان و همچنین گیلان از ایالات تابعه بودند و والی یا حاکم تابع دولت ساسانی داشتند.

از سه ناحیه مرزی قلمرو ساسانی، دو ناحیه آن در ارتباط مستقیم با سواحل جنوبی دریای کاسپی بودند و این مسئله اهمیت منطقه را برای پادشاهان ساسانی نشان می‌دهد. گیل‌ها، کادوسی‌ها، دیلمیان و تپورها ایالت قدیمی فرشوادگر را تشکیل می‌دادند که از نیروهای کوهستان به‌شمار می‌رفتند. ایالت گرگان در این زمان از توابع خراسان شمرده می‌شد و در واقع، پایگاهی بود که پادشاهان در آنجا وسایل لشکرکشی به نواحی شمال شرقی و شرق را فراهم می‌کردند.

از زمان یزدگرد دوم با هجوم هون‌ها در شمال شرقی و چول در شرق دریای کاسپی، شهرستان‌ها و استحکامات فراوانی به‌منظور دفاع از قلمرو ساسانیان در این سرزمین‌ها ساخته شدند. در گیلان و مازندران دژها و قلاع، برج‌ها و دربندهای مستحکمی با کاربری‌های متفاوت برافراشته شدند. در هیرکانی نیز دیوارهایی همراه با خندق، دروازه‌ها و قلعه‌های دشتی احداث شدند که نوع بناها متناسب با وضعیت و اوضاع طبیعی و جغرافیایی بودند.

شاهنشاهی ساسانی یکی از حکومت‌های مقتدر عصر ایران باستان و پساباستان جهان است و از دولت‌های بزرگ شناخته‌شده زمان خود به شمار می‌رود. بررسی توانمندی این دولت به‌ویژه در سواحل جنوبی دریای کاسپی نیازمند شناخت ساختارها و سیاست‌های نظامی-امنیتی آن است. در این پژوهش، مسائلی چون امنیت شاهنشاهی ساسانیان و حفظ آن از سمت شمال و شمال شرقی قلمرو آنها در سواحل جنوبی دریای کاسپی؛ حمله و استقرار اقوام کوچنده از جمله آلان‌ها، ترکان و مهم‌ترین آنها یعنی خزرها در کرانه‌های غربی دریای کاسپی، قفقاز شمالی و تنگه داریال و گذرگاه دربند؛ چگونگی ساخت دیوار و سد دربند بررسی می‌شوند. هدف پژوهش حاضر، تبیین نقش ساکنان سواحل جنوبی کاسپی در

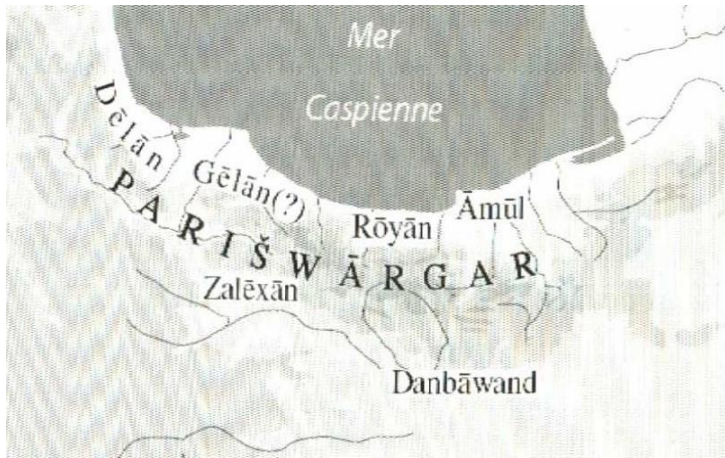
حفظ و دفاع از قلمرو شمالی ساسانیان است. با توجه به اینکه سواحل جنوبی دریای کاسپی، منطقه حد فاصل ساسانیان با دشمنانشان بود، پرسش این است که آیا دولت ساسانی با ساکنان این مناطق روابط سیاسی و تجاری داشت؟ آیا دولت ساسانی توانست با ایجاد بناها و استحکامات دفاعی به اهداف امنیتی خود برسد؟

پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر راجع به سواحل جنوبی دریای کاسپی انجام شده‌اند، اغلب آثاری عمومی از دوره‌های کهن تا دوران معاصر هستند که بر حوزه‌های مازندران‌شناسی، گیلان‌شناسی یا گلستان‌شناسی متمرکزند. در میان آثار پژوهشگران تاریخ ساسانی، کتاب کریستنسن (۱۳۷۰) / *ایران در زمان ساسانیان*، با استناد به نامه تنسر، برخی از شهریاران با لقب مرزبان در مرزهای شمال غربی و ناحیه شرق هیرکانی و دهستان را ذکر کرده است و با اشاره به انتصاب سپاهبد در زمان خسرو اول، سپاه مزدور و ساخلوی دائمی در ایالات سرحدی اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌دهد. یارشاطر (۱۳۷۷) در جلد سوم *تاریخ ایران کمبریج*، موقعیت جغرافیایی و قبایل ساکن در سواحل جنوبی دریای کاسپی، تهدیدات دائمی ایران ساسانی توسط اقوام مهاجم آن سوی سواحل در غرب و قفقاز و ساخت استحکامات موجود از جمله سد دربند را بررسی کرده است. بارتولد (۱۳۷۵) در *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، شرح کاملی از امپراتوری بزرگ ترکان از جمله قوم خزر و مناسبات آنها با دولت ساسانی، تصرفاتشان در قفقاز و وضعیت سد دربند در اواخر دوره ساسانی دارد. گزارش‌های باستان‌شناسان ایرانی در باب ساخت و کاربری استحکامات از جمله قلعه‌ها و دژها، خندق‌ها و دیوارها، تنگه‌ها و سدها، اطلاعات ارزشمندی در اختیار پژوهشگر امروزی قرار داده‌اند که نشان می‌دهد دولت ساسانی به‌طور منظم و با برنامه‌ای سازمان‌یافته اقدام به ایجاد امنیت در ایران‌شهر می‌کرده است.

اهمیت سیاسی و موقعیت خاص سواحل جنوبی دریای کاسپی برای ساسانیان

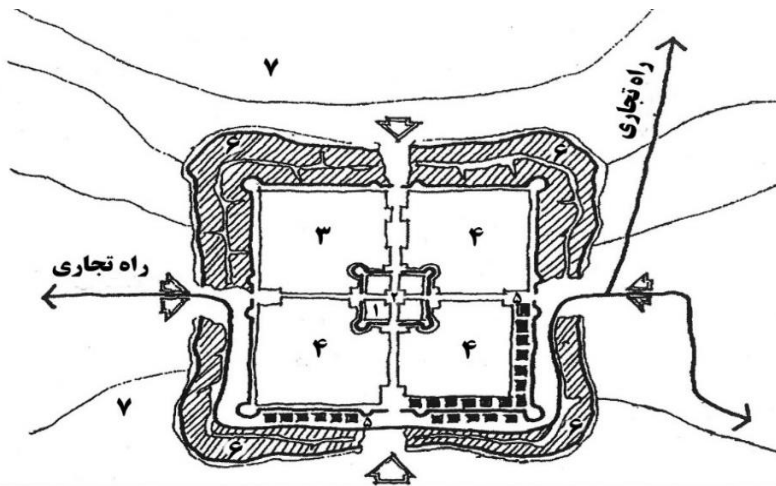
سواحل دریای کاسپی، طبیعتی متفاوت و مجزا از دیگر مناطق فلات ایران دارد. منطقه شمال ایران به‌واسطه وجود کوه‌های مرتفع البرز، دشت‌های وسیع بالای دریای کاسپی، دریای سیاه و دریای آرال و قرارگرفتن بیابان‌های وسیع در مرکز ایران، یکی از نقاط مهم نظامی در تاریخ ایران باستان بوده است (صفت‌گل و وثوقی، ۱۳۹۵: ۲۵۰). این وضعیت اقلیمی که شامل سواحل جنوبی هم می‌شود، به‌گونه‌ای بود که حکومت‌های محلی و اقوامی چون کادوسی‌ان، گیل‌ها، دیلمی‌ها، تپورها، هیرکانی‌ها و دیگر اقوام ساکن را از گزند دشمنان

و حکومت‌های مرکزی در امان نگه می‌داشت و به چالشی جدی برای آنها تبدیل می‌کرد. این نواحی به لطف حضور اقوامی جنگجو و دلیر، همواره یکی از آخرین سنگرهای دفاع از ایران در ادوار باستانی محسوب می‌شده است (آذروند، ۱۳۹۶: ۱۹).



نقشه ۱. نواحی جنوبی دریای کاسپی (خزر) در اواخر دوره ساسانیان

(Gyselen, 2012: 118)



نقشه ۲. سیمای شهر ساسانی

(حبیبی، ۱۳۹۷: ۳۴)

۱. کاخ شاهی و خزانه، ۲. آتشکده، ۳. سربازخانه و انبار، ۴. شارستان و نزدیکان فرمانروا، ۵. بازار، ۶. شهر، ۷. زمین‌های کشاورزی

سواحل جنوبی دریاچه کاسپی در قرون اولیه حکومت ساسانی پدشخوارگر نامیده می‌شد. بنا به قول اغلب مورخان، این منطقه ناحیه‌ای به مراتب بزرگ‌تر از حد تبرستان بوده است (عابدینی، ۹۶: ۳). ابن اسفندیار، مازندران را قسمتی از ایالات قدیمی پدشخوارگر دانسته که شامل تپورستان، آذربایجان، گیلان، دیلم، ری، قومس و دامغان می‌شده است (ابن اسفندیار، ۱۳۹۲: ۸۸). سلسله کوه‌های پدشخوارگر در جنوب و جنوب غربی تپورستان در زمان ساسانیان نیز به همین نام پدشخوارگر نامیده می‌شد (مشکور، ۱۳۹۳: ۳۳۶).

در بخش شمال قلمرو ساسانیان، در مشرق و شمال غربی ماد آتروپاتن که دامنه آن به جلگه پلاسکان^۱، کوه‌های گیلان، سفیدرود و در سویی دیگر به زنجان می‌رسد، این کوه‌ها برای جابه‌جایی کردان و دیگر قبایل کوه‌نشین غربی و قبایل حاشیه سواحل دریاچه کاسپی قابل دسترسی بودند (یارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

بخش شرقی قلمرو ساسانی، جلگه بارخیز هیرکانیه^۲، مرز بسیار نفوذپذیری در برابر قبایل صحراگرد مشرق دریاچه کاسپی بود. داهه‌ها از دوره هخامنشی از دشت دهستان که بودباش آنها بود، این ناحیه را اشغال کردند. طوایف ایرانی، جاده‌ای را که در امتداد رود اترک قرار داشت پیمودند، به پرتوه که به ابرشهر قلمرو ایرانی معروف شد، درآمدند. شاید برخی از سکارا-اٹوکاها در سده دوم پیش از میلاد به این سرزمین کوچیدند (همان).

وضعیت اقلیمی از مردمان این سرزمین جنگجویانی دلیر و نیرومند ساخته بود. آنها تشکیلات نظامی، اجتماعی و به‌طور کلی سازماندهی منسجمی داشتند. جنگجویانی که هیچ دولتی حتی امپراتوری‌های مقتدر باستان به‌سادگی قادر نبودند آنها را به اطاعت درآورند و استقلال نسبی آنان را در مواقعی به رسمیت شناختند. نکته دیگر، بهره‌گیری حکومت‌های باستانی از جمله پادشاهان ساسانی از نیروی نظامی آنان در جنگ‌ها بود که نمونه‌های آن از فتح بابل در دوره کوروش هخامنشی تا نقش‌آفرینی‌های دیلمیان در سپاه ساسانی را می‌توان متذکر شد (آذروند، ۱۳۹۶: ۲۲). مردمان سواحل دریاچه کاسپی پیوسته با پادشاهان بومی ایران در هنگام دفاع از سرزمین و جنگ با بیگانگان همکاری می‌کردند و البته از نیروهای بزرگ جنگجوی کشور محسوب می‌شدند؛ اما چون شاهان مقتدر در تاریخ ایران محدود بودند، اغلب اوقات اهالی این سرزمین، علم آزادی برمی‌افراشتند و متعرض همسایگان خود نیز می‌شدند (فومنی، ۱۳۵۳: ۲۵).

^۱. مغان

^۲. گرگان

سواحل جنوبی دریای کاسپی، استان پدشخوارگر به استقلال سیاسی گرایش داشتند؛ برای مثال، نامه تنسر، شاه گشنسب را که در آغاز دوره ساسانیان زندگی می‌کرد، شاه گیلان، دیلم، رویان، طبرستان و دنباوند معرفی کرده است. این ناحیه پادشاهی فرمان‌گزار و بعدها استان کوه‌های پدشخوارگر را تشکیل می‌داد (پارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

خاندان گشنسب دادگر شاهی تا فرمانروایی قباد اول بر تپورستان، رویان و گیلان حکمرانی داشته‌اند که به دنبال آن، قباد حکومت تبرستان را از آنان گرفت و به فرزند خود، کیوس سپرد. در زمان انوشیروان، حکومت بخشی از تبرستان را به خاندان سوخرا (آل قارن یا قارنوند) بخشید (کریستنسن، ۱۳۷۰: ۲۸۰). شهرستان‌های کرانه‌های جنوبی کاسپی، گیلان، دیلم و تپورستان هر چند همواره در قلمرو دولت ساسانی نبودند؛ اما وابستگی زیادی به ساسانیان داشتند. در منابع مختلف از جایگاه مرزبان در هیچ‌یک از این سه شهرستان خبری نیست. حتی در سده سوم میلادی، ورهران از دودمان ساسانی پادشاه گیلان بود (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

معلوم نیست که گیل‌ها کاملاً مطیع ساسانیان شده بودند؛ اما مانند دیلوم‌ها، مازدها، سکاها و جنگلی‌های زاوولی به عنوان مزدور در سپاه ساسانیان خدمت می‌کردند. مردم این سرزمین با وجود خصومت با دولت مرکزی ساسانی، به ناچار یا از روی قرارداد، پیوسته سپاهی مزدور برای گارد شاهنشاهی می‌فرستادند (مشکور، ۱۳۹۳: ۳۱۴). در ملل تابع ساسانیان که در مجموعه ارتش ساسانی خدمت می‌کردند و روحیه جنگی داشتند، باید اقوام کوهستانی قفقاز و جنوب بحر کاسپی از گیل‌ها و کادوسی‌ها، ورت‌ها و دیلمان را اضافه کرد که در لشکر ایرانیان دیده می‌شدند (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

در بسیاری از منابع مکتوب دوره ساسانی و مورخان اوایل دوره اسلام به استفاده از نیروی نظامی اقوام جنگجوی سواحل دریاچه کاسپی اشاره شده است؛ برای نمونه، شاپور اول با رئیس طایفه مازد و به‌قولی طایفه گیل‌ها که بالروس بلینوس یا باله‌نوس نام داشت، معاهده بست. بدین سان در جنگ با والرین، چندین هزار پیاده و سوار مازد و گیل به سرداری بلینوس در رکاب و اردوی شاپور بودند (فومنی، ۱۳۵۳: ۲۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳: ۳۴). طبق نامه تنسر، در زمان خسرو اول تنها سه مرز بودند که صاحبان آن عنوان شاه داشتند: مرز شمال غربی در حدود آلان و خزر؛ مرز مغرب در حدود روم؛ مرز ناحیه شرق در حدود خوارزم که در برابر ترکان از طریق هیرکانی و دهستان قرار داشت (کریستنسن، ۱۳۸۶: ۳۱).

با توجه به آنچه آمد، دو ناحیه مرزی در ارتباط و پیوستگی مستقیم با سواحل جنوبی دریاچه کاسپی قرار داشتند. این مسئله، اهمیت راهبردی این مناطق را برای پادشاهان ساسانی نشان

می‌دهد. ساسانیان، انتصاب سپاهبدان برای نواحی معین پیش از زمان خسرو اول را امری فوق‌العاده و استثنایی می‌دانستند. حکام ولایات سرحدی همواره قوای مزدور در اختیار خود داشتند و در قلاع مستحکم سرحدی دارای ساخلوی دائمی بودند (کریستنسن، ۱۳۷۰: ۲۹۵).

دولت شاهنشاهی ساسانی در سده‌های سوم و چهارم میلادی از سمت شمال و مشرق توسعه بسیاری داشت. پس از فتوحات و هرام دوم در ۲۸۴م. قلمرو ساسانیان در مشرق ایران کنونی شامل این ممالک می‌شد: گرگان، تمام خراسان، خوارزم، سغد و سکستان (جوادی، ۱۳۸۰: ۳۲۵). بر این اساس، اصطخری جغرافیدان قرن سوم هجری قمری، موقعیت سواحل جنوب شرقی دریای کاسپی را در آن دوران چنین توصیف کرده است:

در استرآباد، شهری خوش و منزّه و نعمت و راحت است و فرضه آنجا به دریاست و به کشتی می‌نشینند و به دریای کاسپی در باب‌الابواب و جبل و دیلم و غیر آن می‌روند و در این نواحی و اطراف هیچ شهری را فرضه‌ای بزرگ‌تر از آبسکون نیست و در آنجا ثغری هست به رباط دهستان معروف و آن ثغر اترک غزیه (غزنه) است و آن ثغر به حد جرجان متصل می‌شود در بیابانی نزدیک خوارزم است (اصطخری، ۱۳۹۶: ۲۲۱).

در گذشته، این بخش از سرزمین ایران شامل دو ناحیه بود: یکی در جنوب ورکان یا جرجان که هیرکانیای قدیم است و دیگری در شمال به نام دهستان. ورکان یا جرجان، قسمتی از هیرکانی قدیم بود که در زاویه جنوب شرقی دریای کاسپی قرار داشت و مشتمل بر قسمت اعظم استرآباد قبلی در حد فاصل بین مازندران و دهستان بود. گرگان چون بین طوایف بادیه‌نشین و شهرنشین بود، در تمام دوره‌های پیش از اسلام برای دولت‌های ایرانی اهمیت نظامی داشت. ایالت گرگان در زمان ساسانیان از توابع خراسان شمرده می‌شد؛ اما در حقیقت ایالتی مستقل و پایگاهی بود که در آنجا اسباب لشکرکشی به شمال و خاور فراهم می‌آمد. از شمال با سرزمین راخا در منطقه دهستان که فرمانروایی از قبیله ترک چول داشت، هم‌مرز بود و مرکز حکومت این فرمانروا در یکی از جزایر دریای کاسپی در فاصله پنج‌فرسنگی و مقر مرزبان گرگان بود (مشکور، ۱۳۹۳: ۳۳۹).

دهستان

دهستان قسمتی از ناحیه رود اترک است که رود گرگان از آن می‌گذرد. راه گرگان به خوارزم از دهستان می‌گذشته است. ایجاد این راه را به قباد پادشاه ساسانی نسبت داده‌اند. (بیات، ۱۳۷۳: ۲۷۶). در شمال آبسکون، نقطه آباد و مسکون دهستان در مرکز دهستان،

شهر آخر یا آخور بود که بر سر راه رباط سرحدی واقع شده بود. رباط در معنای اصلی خود، پست نظامی سرحدی است (بارتولد، ۱۳۷۵: ۲۳۴). دهستان، مسکن طوایفی موسوم به داهه بود و در این ناحیه شهر باستانی موسوم به مشهد مصریان دیده می‌شود. شاخه‌ای از قبایل داهه، اپارنیو بود که از این عشیره، خاندان پارتی متأخر بیرون آمد (مشکور، ۱۳۹۳: ۲۴۳). قوم داهه در دوره ساسانی گاه‌به‌گاه به‌عنوان سرباز مزدور در سپاه ساسانی خدمت می‌کرد. همسایه شمالی آنها، دربیک‌ها و همسایه جنوبی، گرگانی‌ها بودند. خاندان اسپهبد پهلوی در ناحیه دهستان از قبل حکومت می‌کردند که در زمان ساسانیان حکمران تپورستان شدند. گرگانی‌ها حکمرانان دهستان را چول یا چول‌تکین می‌نامیدند (معطوفی، ۱۳۷۴: ۵۷).

استحکامات جنوب شرقی دریای کاسپی

در روزگار شاهنشاهی ساسانی، دژها و سایر تأسیسات دفاعی در گرگان ساخته شدند. شالوده دژ شهرستان یزدگرد در عصر یزدگرد دوم، دژ شهرستان پیروز در دوره پیروز و تأسیسات گوناگون دیوار دفاعی گرگان در دوران قباد و خسرو انوشیروان بنا نهاده شدند (مشکور، ۱۳۹۳: ۳۴۰). این استحکامات به‌منظور جلوگیری از هجوم بادیه‌نشینان از کمیش‌تپه آغاز می‌شد، از گنبد قابوس می‌گذشت و به خواجه‌نفس ختم می‌شد (همان: ۳۳۹).

یزدگرد دوم (۴۵۳-۴۴۳ م.) با قبایل هون‌ها در شمال شرق کشور و چول‌ها در شرق دریای کاسپی (شمال گرگان) جنگید، آنان را شکست داد و با بنای دژ شهرستان یزدگرد از سال چهارم تا یازدهم پادشاهی‌اش در آنجا ماند؛ این موضوع، مخاطره‌آمیز بودن نواحی شرقی را می‌رساند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۴۶). سکه درهم بسیار زیبایی از یزدگرد دوم در گرگان موجود است که احتمالاً به افتخار پیروزی بر این قوم ضرب شده بود (آورزمانی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

پیروز ساسانی، شهر روشن‌پیروز را بین گرگان و شهر باستانی نسا بنا کرد که دارای دژ و باروی مستحکمی بود. با شکست پیروز از هیاطله در شرق و کشته‌شدن او، گروهی از هیاطله خود را به گرگان رساندند. پس از آنکه خسرو انوشیروان قبیله چول را تارومار کرد، باقی‌مانده آنها را در همین شهر پیروز جای داد (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۷۶). اغلب شهرهایی که در حوالی گرگان یا بین گرگان و خراسان توسط شاهان ساسانی احداث می‌شدند، جنبه نظامی داشتند و برای مقابله با اقوام بیابانگرد آن نواحی ایجاد می‌شدند. طبری نوشته است:

شاه قباد پس از پدر در آنجا بناهایی بسیار ساخت و چون کسری به پادشاهی رسید بگفت تا در ناحیه صول و ناحیه گرگان با سنگ تراشیده شهرها و قلعه‌ها و بناهایی بسیار

ساختند تا پناهگاه اهل ولایت باشد و اگر دشمنی حمله آورد بدان پناهنده شوند (طبری ۱۳۵۲: ۶۴۷).

دیوار شهر تمیشه و دیوار گرگان

در منابع، اداره سرزمین‌های واقع در شرق تا خط مرزی گرگان در عصر ساسانی به‌درستی مشخص نشده است و معلوم نیست که آیا تمام منطقه را تپورستان اداره می‌کرد یا اینکه ناحیه‌ای مستقل بود.

تمیشه، بزرگ‌ترین شهر شرق تپورستان به‌طرف مرز گرگان محسوب می‌شد و گرچه مدارکی در انتساب آن به اوایل ساسانی موجود نیست؛ اما می‌توان آن را یکی از شهرهای مهم آن دیار در دوره ساسانی محسوب کرد. خسرو اول (۵۷۹-۵۳۱ م.) از تمیشه بازدید کرد و دستور داد که شهر را وسعت بخشند. دیوار درازی که تمیشه نامیده می‌شود و بنای آن را به انوشیروان نسبت داده‌اند، احتمالاً بعد از دیوار اولیه ساخته شده است. به‌گفته ابن اسفندیار، این شهر در زمان اسپهبدان، محل اقامت سلطان آینده بود. کاووس پسر قباد در دوره نیابت سلطنت در تمیشه زندگی می‌کرد (چگینی، ۱۳۶۷: ۲۵).

در باره تعیین محل آن باید اظهار داشت که بقایای خزانه شهری تمیشه در غرب دهکده سرکلته فعلی، ۷ کیلومتری کردکوی واقع بود که باید شهر قدیم تمیشه باشد. مهم‌ترین نشانه‌اش دیوار درازی است که بنا بر منابع کتبی، بنیان آن احتمالاً متعلق به زمان خسرو اول و برای دفاع از منطقه در برابر هجوم قبایل مهاجم ساخته شده بود. استحکامات مزبور با جهت شمالی- جنوبی از جنگل‌های سرکلته ردیابی شده است. این دیوار دفاعی با برج‌های مدور در اصل از آجرهایی با ابعاد $۳۶ \times ۳۶ + ۸$ و $۳۸ \times ۳۸ + ۱۰$ ساخته شده بود. پیداشدن سفال‌های بدون لعاب، ساسانی‌بودن آن را تأیید می‌کند. همچنین بنای برج موجود در محوطه حفاری، گهواره‌ای است که با پیداشدن نمونه آن در قلعه ساسانی تورنگ تپه، این موضوع بیش از پیش تأیید می‌شود (همان: ۲۶).

در اینجا لازم است برای روشن‌شدن موضوع بحث به استحکامات به‌کاررفته در ایران اشاره شود. استحکامات را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف) دیوارها، خندق‌ها و دروازه‌ها؛ ب) غارها و قلعه‌های صخره‌ای که در همان وضع طبیعی به‌صورت پناهگاه با کاربری مسکونی و در مواقعی به‌عنوان مکان مقدس برای انجام مراسم مذهبی استفاده می‌شدند؛ ج) قلعه‌های کوهستانی که بر شانه کوه‌های بلند بنا

می‌شدند؛ د) قلعه‌های دشتی و جلگه‌ای: انسان دیواری بر گرد محل سکونت خویش بنا می‌کرد و زیستگاه خود را در آن ایمن می‌ساخت که نوعی از بنای محصور، متناسب با وضعیت طبیعی و جغرافیایی بود (سورتچی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۳).

یکی از خصایص برجسته کشورداری ساسانیان نسبت به حکومت‌های پیشین این است که مرزهای سرزمین پهناور خود را محدود کرده، در برخی جاها علاماتی در مرزها گذاشته و در جاهایی از جمله در دو سوی شمال غربی و شمال شرقی برای جلوگیری از تجاوزات ترکان، خندق‌ها یا دیوارها و باروهایی بنا کرده بودند (نفیسی، ۱۳۸۴: ۷۶).

گرگان، ناحیه سرحدی حفاظت‌شده در برابر بیابانگردان آسیای میانه، شرق و شمال شرقی از جمله هیاطله و چول بود؛ به‌همین دلیل، دیوار دفاعی عظیمی برای جلوگیری از تهاجم این قبایل بیابانگرد کشیده شد. این دیوار از شرق دریای کاسپی در محل خواجه‌نفس فعلی شروع می‌شد، از شمال آق قلعه و کمیشان می‌گذشت، پس از پیمودن شمال گنبد به‌طرف شمال غربی می‌رفت و در کوه‌های پیش کمر در دامنه‌های بجنورد محو می‌شد. این دیوار سد فیروز، قزل آلان، سد سکندر خوانده شده و ابن اسفندیار آن را فیروزکند در متون تاریخی نامیده است (معطوفی، ۱۳۷۴: ۴۵). این دیوار از دهستان که در خاک گرگان در شش منزلی کرانه دریای کاسپی بود، آغاز می‌شد و تا ۲۲۴ق. که مازیار پادشاه معروف طبرستان با تازیان جنگ می‌کرد، باقی مانده بود و مازیار آن را تعمیر کرد (نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۸۶). اینکه دیوار گرگان توسط کدام پادشاه ساخته شد، پرسشی است که در منابع راجع به آن دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است.

تاریخ بنای دیواره‌ای تمیشه و گرگان را بین سده چهارم قبل از میلاد تا ششم میلادی دانسته‌اند. در یافته‌های پژوهشگران در خصوص بنای دیوارها آشفتگی دیده می‌شود، به‌گونه‌ای که برخی بنای آن را به بهرام گور، برخی پیروز و پسرش قباد و اغلب پژوهشگران به خسرو انوشیروان نسبت می‌دهند (مشکور، ۱۳۹۳: ۳۴۵). گروهی دیگر از پژوهشگران ساخت آن را مربوط به ادوار قبل از پیروز ساسانی و منتسب به مهرداد دوم (۸۷-۱۲۳پ. م) شاه اشکانی دانسته‌اند؛ زیرا در زمان این پادشاه، هجوم قبایل وحشی و بیابانگرد سکا به شمال شرقی ایران آغازیدن و شدت گرفت و به‌احتمال، دیوار در عصر خسرو انوشیروان تعمیر و مرمت گردید. از دلایل دیگری که در این باره اقامه می‌کنند، این است که قلعه‌های یافت‌شده در مسیر این دیوار از نظر ساخت، شبیه قلعه‌های عصر اشکانیان هستند (معطوفی، ۱۳۷۴: ۴۶).

دیوار گرگان حدود ۲۰۰ کیلومتر طول و بیش از ۳۰ قلعه در امتداد آن قرار دارد. بخش غربی دیوار مجزاست و در زیر رسوبات دریای کاسپی مدفون شده است و امکان دارد به دیوار

تمیشه با طراحی کاملاً مشابه، به صورت مانع دفاعی کوتاه‌تر متصل باشد. ویژگی‌های مشترک هر دو دیوار عبارتند از: الف) از آجرهای بزرگ با ابعاد و اشکال مشابه ساخته شده‌اند؛ ب) هم‌خط با کرانه و خندق خاکی هستند و آب آنها توسط کانال‌ها تأمین می‌شده است؛ ج) از کوه‌های البرز تا دریای کاسپی امتداد دارند. بدین سان، فارغ از اینکه آنها بخشی از مانع دفاعی واحد بودند یا خیر، مطمئناً بخشی از یک سیستم دفاعی را در دوره ساسانیان تشکیل می‌داده‌اند (نوکنده، ۱۳۷۸: ۷۰۱).

پروژه مشترک کاوش دیوار گرگان میان میراث فرهنگی گلستان و دانشگاه‌های ادینبورگ و دورهام در پنج فصل متوالی از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹م. انجام شد. این پروژه با قاطعیت تعیین کرده است که هر دو دیوار در سده پنجم یا احتمالاً اوایل سده ششم میلادی ساخته شده‌اند. دیوارهای گرگان و تمیشه، هم‌عصر با مجموعه‌ای از دیوارها در ساحل غربی دریای کاسپی در کشور کنونی جمهوری آذربایجان و جنوب روسیه هستند. این دیوارها، مجموعه‌ای از دژهای نیمه‌دائمی در سمت شرقی اطراف گرگان هستند و ایجاد چنین زیرساخت‌های نظامی وسیعی مربوط به زمانی است که امپراتوری ساسانی، درگیر چندین جنگ متوالی در مرزهای شمالی خود، ابتدا در مقابل هپتال‌ها یا هون‌های سفید و بعدها در مقابل ترک‌ها بود. بررسی‌های ژئوفیزیک و کاوش‌ها ثابت کرده‌اند که هم قلعه‌های دیوار و هم پایگاه‌های عملیاتی، تراکم اسکان بالایی داشته‌اند. دیوارهای گرگان و تمیشه توسط ۳۰۰۰ سرباز حفاظت می‌شده‌اند. این دژها حدوداً ۴۰ هکتار بودند که به راحتی ده هزار نفر را در خود جای می‌دادند و به احتمال، فقط در مواقع بحرانی توسط نیروهای نظامی زمینی متحرک ارتش ایران استفاده می‌شدند (چگینی، ۱۳۷۸: ۷۰۰)؛ در نتیجه، خسرو یکم بر آن شد تا به تهدید ایران از سوی هپتالیان و تاخت‌وتازهای آنان پایان دهد. وی رشته‌هایی از استحکامات در دشت گرگان برآورد که یک دیوار آن در دشت شمال در بندر ترکمن و گنبد کاووس قرار داشت و دیگری از کوه‌ها آغاز می‌شد، نزدیک بندرگز به دریا می‌رسید و راه دسترسی به تپورستان را مسدود می‌کرد (یارشاطر، ۱۳۷۷: ۳۱۰).

دژها و قلعه‌های ساسانی در سواحل جنوبی و جنوب غربی دریای کاسپی

شاهنشاهی ساسانی برای آرامش و جلوگیری از تاخت‌وتازهای گروه‌های مهاجم ناگزیر بود در چندین منطقه از سرزمین خود پاسگاه‌هایی دایر کند و پادگان‌هایی آماده داشته باشد. قلاعی که در زمان ساسانیان ساخته شده‌اند، معمولاً دارای برج‌های نیمه‌گرد جلوتر از دیوارهای

دفاعی هستند و بسیار نزدیک به هم ساخته شده‌اند. نزدیک بودن برج‌ها به یکدیگر افزون بر آنکه قدرت دفاعی ساکنان قلعه را افزایش می‌داد، بر زیبایی طرح بنا نیز می‌افزود. محکم و مسطح کردن قلعه با برج‌های دفاعی مدور در زمان ساسانیان توسعه و تکامل یافت (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۷۳).

در مناطق جلگه‌ای و کوهستانی ایران به‌خصوص در شمال کشور، قلعه‌ها را بر بلندی کوه‌های مرتفع یا بر سطح خاکریزهای دستی که از چندین جهت شیب‌های تند دارد، بنا می‌کردند. شکل، جنس و تعداد برج و باروها به اهمیت و وسعت هر قلعه و همین‌طور به اوضاع طبیعی و اجتماعی آنجا بستگی داشت. همه قلعه‌ها دیوار بلند عریض و طولانی دارند. بارو و استحکاماتی استوانه‌ای یا چندوجهی موسوم به برج یک یا چندروازه برای ورود و خروج بر روی هم، حصار قلعه را تشکیل می‌دادند و خندقی در گرداگرد قلعه بنا می‌کردند که دسترسی به قلعه را دشوار می‌کرد (جهانی، ۱۳۸۶: ۸۴).

قلعه‌های گیلان و مازندران از لحاظ نحوه استقرار و وضع دفاعی، سه دسته‌اند: الف) قلعه‌های جلگه‌ای بر سطح تپه‌های طبیعی و کوه‌های منفرد که ارتفاع آنها با سطح زمین اطراف حداقل ۱۰ متر و حداکثر ۱۶۰ متر است. این قلعه‌ها در مسیر راه‌های ارتباطی و رودخانه‌های مهم بنا شده‌اند و بیشتر کاربری راهداری و مسکونی داشتند؛ ب) قلعه‌های کوهپایه‌ای که نسبت به قلعه‌های دیگر محدودتر و کمتر هستند، اغلب در مناطق جنگلی و در کنار راه‌های دشوار گذر ساخته می‌شدند و بر بلندی کوه‌ها، صخره‌ها یا تپه‌های طبیعی بودند. این قلعه‌ها بیشتر حالت مخفیگاه و پناهگاه داشتند؛ ج) قلعه‌های کوهستانی که با استفاده از شیب طبیعی و عوارض طبیعی و جغرافیایی کوه ساخته شده‌اند و هیچ نوع طرح معین و یکنواختی در آنها دیده نمی‌شود. پای اغلب قلعه‌های کوهستانی ابتدا پرتگاه‌های عمیق است. در امتداد بارو و حصار در فواصل غیرمعین، برج‌های جنگلی و نگهبانی برپاست. قلعه‌های کوهستانی بیشتر در دیلمان، املش، رضوانشهر، چیرند، ارتفاعات عمارلو، ارتفاعات سوادکوه و هزارجریب مازندران در ارتفاع ۶۰۰ تا ۲۷۰۰ متری احداث شده‌اند (جهانی، ۱۳۸۶: ۲۲). قلعه‌های شنیدان در مرز جمهوری آذربایجان و گیلان، قلعه صلصال در تالش، قلعه رودخان در فومن و قلعه دیزین در لاهیجان نیز در متون تاریخی نام برده شده‌اند. از قلعه‌های پیش از اسلام به‌دلیل صخره‌ای و دشوار‌گذر بودن و قرارنگرفتن در مسیرهای پرتردد نامی برده نشده است (همان: ۱۵).

قلعه‌های کوهستانی در شمال ایران با دو کاربری درخور بررسی هستند: یکی قلعه‌های نظامی و مسکونی و دیگری قلعه‌های راهداری و ارتباطی. قلعه‌های نظامی و مسکونی در نزدیکی شهرها و روستاها بر فراز ارتفاعات بنا شده‌اند. ییلاق قلعه در روستای نصفی، شمیران در غرب منجیل و لیما در اشکور رودسر از قلعه‌های نظامی هستند (همان: ۲۲). قلعه‌های کوهستانی راهداری و ارتباطی در مسیر رفت‌وآمد کاروانیان و راه‌های ارتباطی مهم بنا شده‌اند و ساکنان این قلعه‌ها نگهبانانی بودند که وظیفه اصلی آنها رساندن اخبار و تأمین امنیت راه‌ها از خطر حمله راهزنان و مهاجمان بود. مهم‌ترین ویژگی قلعه‌های راهداری، برج بود؛ مانند برج یا میل املش، برج دژین رودسر و برج لشکرگاه رودبار (همان: ۲۳). قلعه‌هایی با کاربردهای دیگر افزون بر موقعیت سوق‌الجیشی، محل انباشتن دفاعین و ذخایر گران‌بها و نیز اندوختن آذوقه، جنگ‌افزار و مایحتاج احتمالی مدافعان بودند؛ مانند قلعه اسپهبد خورشید، ملک بهمن و قلعه دیو سفید در مدخل‌های ورود به مازندران از داخل فلات ایران (سورتچی، ۱۳۸۱: ۱۰).

در زمان ساسانیان، قلعه چالوس در مرز شرقی گیل و دیلم ساخته شده بود تا با مردم گیل و دیلم مقابله کنند (مسعودی، ۱۳۷۰: ۷۴۱). قلعه‌های مارکو در جنوب شرقی شهر رامسر در روستای کتالم که به اطراف کاملاً مشرف بود، موقعیت سوق‌الجیشی داشت که چهار حصار جانبی و برج‌های پشتیبانی آن بر جای مانده است. این قلعه مربوط به قرون پیش از اسلام و عصر ساسانی است که تا سده دوم هجری قمری معمور و مورد استفاده بود (کفاشی، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۹). از دیگر استحکامات دوره ساسانی در سواحل جنوبی دریای کاسپی، قلعه کنگلو مازندران است. با توجه به نوع کتابت خط پهلوی روی نگین انگشتی مکشوفه در بهار ۱۳۸۵ ش. تاریخ بنای قلعه را در حدود سده‌های سوم و چهارم میلادی قرار می‌دهند؛ قلعه کنگلو کاربری دیدبانی داشت (سورتچی ۱۳۸۵: ۲۰۰).

مورخان تاریخ اسلام، تختگاه و قلعه فریم را که جایگاه خزاین فرمانروایی مستقر در آن بود، به دوره ساسانی نسبت داده‌اند. از دیگر قلاع باستانی مربوط به دوران ساسانی، منطقه دودانگه، شاه دز، دژهی کوه آسف، وزوار، امیر ولی، دژ کوزا، دژ تالیور، دژ بندبن، قارن سرا و کیجا قلعه را می‌توان نام برد. دژهایی چون برج رسکت، معماری و کتیبه پهلوی ساسانی دارند و این دژها در مسیرها و محل‌های صعب‌العبور و نفوذناپذیر قرار داشتند و برخی از این قلعه‌ها مانند طاق قلعه، محل اختفای خزاین پارس و انبار آذوقه بودند (همان: ۲۰۱).

دربند در جنوب و جنوب غربی، سد دربند و حضور خزران در قفقاز

به مکانی محصور میان دیوارهای عمودی کوه و معبری باریک که دو سوار در کنار هم نتوانند گذر کنند، دربند اطلاق می‌شود. این دربندها عمدتاً دارای استحکامات دفاعی بودند و با تکیه بر امتیازات راهبردی بالای این دربندها، سرنوشت جنگ به نفع مدافعان تنگ یا دربند رقم می‌خورد؛ زیرا برخلاف دشت و بیابان، این تنگ‌ها از ورود سریع و پرتعداد سواره‌نظام دشمن جلوگیری می‌کردند و امکان کمین و پیروزی تعداد خیلی از جنگاوران علیه لشکریان پرتعداد را ممکن می‌ساختند (توفیق، ۱۳۹۷: ۱۲۶). مهم‌ترین تنگ‌ها در مسیرهای کوهستانی، جبهه گرگان، در مسیر قومس به هزارجریب، لاریجان به آمل و دماوند و فیروزکوه قرار داشتند. دربندها و گذرگاه‌های کوهستانی البرز به‌ویژه گیلان و تپورستان، اصلی‌ترین عامل در مسخرنشدن این سرزمین و پیروزی البرزنشینان بر بیگانگان بودند (همان: ۱۳۲).

از دربندهای مهم کوهستانی، تختگاه کوهستانی اسپهبدان آرم در حدود سوادکوه تا دماوند و دربند کولا از معبرهای تاریخی در تپورستان هستند. دربند کولا دروازه ورود به کوهستان قارن و شروین بود و در پایان دوره ساسانی و سده‌های نخست چیرگی اعراب، آوردگاه و کانون کشمکش اسپهبدان تبرستان با سپاه تازیان بود (همان: ۱۲۳). غیر از تنگه کولا، تنگه‌های مهم البرز، تنگه دوگل، تنگ چهل‌در، تنگ اوریم، تنگ سرخ‌آباد، تنگ ارژنگ و تنگ دوآب هستند. این تنگ‌ها با ممانعت از ورود لشکریان به داخل سرزمین تپورستان، در حفظ، جداسازی و استقلال این بخش از ایران در ادوار مختلف نقش بنیادی ایفا می‌کردند (همان).

دولت ساسانیان در منطقه شمال و غرب دریای کاسپی به‌منظور محافظت از این مناطق، اقدام به احداث دیوار و سد دربند کرد. برای تسلط بر کرانه غربی دریای کاسپی که فرمانروایی آلبانیا بود، از یک سو رقابت میان ایران و روم در جریان بود و از سوی دیگر، حمله اقوام کوچنده مانند آلان‌ها از سرزمین‌های شمالی به این منطقه، ساسانیان را در این قسمت از قلمرو خود دچار مشکل کرده بود. آلان‌ها تا ولگا و دن استقرار داشتند. آنان از طریق قفقاز شمالی، تنگه داریال و گذرگاه دربند حمله می‌کردند. بعدها، هون‌ها به‌جای آلان‌ها وارد شدند (بارتولد ۱۳۷۵: ۲۲-۲۰). نقطه آغاز این دیوار، نزدیک شهر دربند^۱ است. این دیوار از نارنج قلعه شروع می‌شد و به‌سوی غرب امتداد می‌یافت، از قلل کوه‌ها می‌گذشت و هر گوشه دارای برج‌های کوچکی بود. ارتفاع برج‌ها معمولاً یک متر بیشتر از دیوار بود.

۱. باب‌الابواب اعراب

ساسانیان برای حفاظت از این دیوار، جلوگیری از تهاجم رومیان و نفوذ خزرها، طایفه‌های طبرسران، فیلکوشان، فیلان و لزگی‌ها را گمارده بودند (گل‌سرخ، ۱۳۷۳: ۳۵).

از طرف شمال، تقریباً تمام قفقاز جزو ایران بود؛ بدین معنی که کوه‌های قفقاز مملکت ایبری^۱ و اران را از مناطق دیگر جدا می‌کرد و تنها لازیکا در قفقاز در کنار دریای سیاه و قسمت غربی گرجستان امروزی در دست رومی‌ها بود (پیرنیا ۱۳۷۵: ۲۸۳۴). خطرناک‌ترین تهدید آلان‌ها و صحراگردان هون در سده پنجم میلادی که پایه‌های حاکمیت ساسانی را نیز تا اندازه‌ای سست کرد، از مسیری بود که از حاشیه دریای کاسپی می‌گذشت. کواد پادشاه ساسانی، دیوار و برج و باروهایی برآورد. این اقدامات پیش‌درآمد استحکامات بزرگی بود که خسرو یکم در دربند بنیاد نهاد (یارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

نیمه دوم سده ششم میلادی مصادف با امپراتوری بزرگ ترکان بود که مرزهای آن از حدود چین تا اروپای شرقی امتداد داشت. ترکان منافع بازرگانی زیادی با ایرانیان منطقه آسیای مرکزی داشتند. آنان به دلیل تجارت ابریشم چین یا به احتمال، ابریشم تهیه شده خودشان با ایرانیان رابطه برقرار کردند. چون رابطه ناکام ماند، ترکان متوجه روم شرقی شدند. در این زمان، حکومت ساسانیان دگر بار به اوج قدرت رسیده بود. در ۵۷۶م. آلان‌ها تابعیت ترکان را گردن نهادند و بدین منوال تصرفات ترکان در آن زمان تا قفقاز کشیده شد (بارتولد، ۱۳۷۵: ۲۴).

خزران از وابستگان هون‌ها بودند و در شمال قفقاز و مسیر نظامی رود ولگا به صورتی پراکنده می‌زیستند. در ۵۴۶م. تورکیوها یا ترکان که تا آن زمان در دامنه کوه‌های آلتایی می‌زیستند، اعلام موجودیت کردند. این گروه در ۵۵۲م. مقاومت ژوان‌ها را در هم شکستند و در فاصله ۵۶۷-۵۶۵م. هپتالیان را به پشت کوه‌های پامیر راندند، سرانجام در ۵۷۱-۵۶۷م. قفقاز شمالی را تا پشت کوه‌های بزرگ قفقاز مسخر کردند و در برابر دو دولت بزرگ آن زمان یعنی روم شرقی و ایران ساسانی قرار گرفتند. خزران که در آن زمان از همه اقوام شمال قفقاز نیرومندتر بودند، از ترکان حمایت کردند، به یاری آنها بر دشت‌های پیرامون دریای کاسپی و شمال قفقاز مسلط شدند و راه تجاوز به ایران را در پیش گرفتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳: ۵۰-۴۹).

۱. گرجستان امروزی



نقشه ۳. پراکندگی ترکان در نیمه دوم سده ششم و آغاز سده هفتم میلادی
(رضا، ۱۳۸۹: ۵۳).

خزران نخستین بار در قرن دوم میلادی در ماورای قفقاز (شمال) در صحنه تاریخ این منطقه ظاهر شدند، بعدها در روسیه جنوبی بین ولگا و دن سکنی گزیدند و دولت مقتدری تشکیل دادند. در سده چهارم میلادی، خزرها با روم شرقی عقد اتحاد بستند، متصرفات ایران را تا رود کورا و ارس تصرف کردند و در ایبریا و ارمنستان به تاخت و تاز پرداختند. ایرانیان ناچار شدند که دربند باب‌الابواب را برای جلوگیری از خزرها بنا کنند. پایتخت خزرها شهر اتل در محل هسترخان یا حاجی طرخان در مصب رود ولگا به دریای کاسپی قرار داشت (مشکور، ۱۳۹۳: ۳۰۹). خزران همچنین قصد داشتند راه ابریشم را زیر نظر بگیرند. دشمنی آنان از زمان هرمز چهارم در قفقاز آغاز شد و تا پایان حکومت ساسانی ادامه داشت (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۵۴).

ایرانیان در عصر خسرو انوشیروان برای جلوگیری از یورش‌های خانمان‌سوز قوم ترک بر تنها گذرگاه طبیعی عبور این مهاجمان به سرزمین قفقاز، ارمنستان و مناطق دیگر، میان کوه و دریا سدی محکم به نام دربند ساختند (علی‌بیگی، ۱۳۷۶: ۲۹). در بند نخست عهدنامه خسرو انوشیروان با رومی‌ها در ۵۳۲م. آمده است که امپراتوری روم شرقی، بیزانس

باید سالانه مبلغی به دولت ایران بپردازد و دولت ایران هم پادگانی در دربند قفقاز و جاهای دیگر ایجاد کند (صفت گل، ۱۳۹۵: ۳۱۶).

از سده هفتم میلادی و اواخر عهد ساسانی، سد دربند به دست قوم سایبرها افتاد که خزران هم به عنوان قبیله‌ای از اتحاد قبایل دشت قفقاز به ریاست سایبرها بودند و سخت آسیب دید؛ ولی این سد چندی بعد توسط عرب‌ها ساخته و مرمت شد؛ در واقع، آن بخش از سد که به اندازه ۶۰۰ آرنج عربی^۱ در آب فرو رفته بود، در زمان عرب‌ها بنا گردید (بارتولد، ۱۳۷۵: ۲۵).

در نهایت باید افزود که برای جلوگیری از نفوذ به بندر دربند و استحکامات آن، دو دیوار سنگی اصلی شمالی و جنوبی قلعه دربند در ادامه وارد آب دریا می‌شده، به پیش می‌رفته و در انتهای آن، زنجیره‌ای آهنین برای جلوگیری از رسیدن کشتی‌ها به قلعه دربند بین دو دیوار بسته می‌شده است (بیگدلی، ۱۳۸۲: ۳۹۹).

نتیجه‌گیری

کرانه‌های جنوبی دریای کاسپی از نظر اقلیمی و موقعیت سوق‌الجیشی از سویی تأمین‌کننده بخشی از نیروی نظامی دولت ساسانی بود و از سوی دیگر، در دفاع از تهاجم بیگانگان از شمال و شمال شرقی نقشی مهم و بنیادی ایفا می‌کرد. مناطقی از سواحل جنوبی توسط دولت مرکزی به صورت ممالک پادشاه‌نشین و بقیه مناطق یا حاکمیت حاکمان محلی زیر تابعیت ساسانیان اداره می‌شدند. ایالت گرگان یا همان هیرکانی کهن در این دوره، مکانی برای فراهم آوردن تدارکات و تجهیزات جهت رویارویی با تهاجم هون‌ها و ترکان بود.

در سواحل جنوبی دریای کاسپی شاهد ساخت استحکامات متعدد هستیم که بخش عمده آنها در دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی تاریخ‌گذاری شده‌اند. برخی از این استحکامات در جهت دفاع از تهاجمات داخلی، در برابر اقوام همسایه و برخی دیگر، توسط دولت ساسانی در برابر تهاجمات بیگانه ساخته شده‌اند. دولت ساسانی با ایجاد استحکامات، موفق به مهار نیروی رزمی مناطق کوهستانی و دشت سواحل جنوبی کاسپی گردید. همچنین توانست از طریق احداث این استحکامات از هجوم اقوام بیابانگرد جلوگیری و کشور را در مقابل این حملات حفظ کند. استحکامات برجای‌مانده در استان‌های گیلان و مازندران کنونی، بیشتر دژ و قلعه هستند که دارای کاربری نظامی - مسکونی و راهداری - ارتباطی

^۱ هر آرنج عربی برابر با بیشتر از نیم متر

بودند؛ اما در استان گلستان کنونی و نواحی غربی کرانه‌های دریاچه کاسپی و قفقاز، استحکامات در قالب سد، تنگه، دیوار و خندق بوده‌اند.

در سده‌های پنجم و ششم میلادی، در میانه شاهنشاهی ساسانیان، استحکامات ساسانی از لحاظ ساختار نظامی پیشرفت چشمگیری داشت. با ایجاد اردوگاه‌ها و سربازخانه‌ها در درون قلعه‌ها، ارتشی منظم تشکیل شد. در نواحی سرحدی با ایجاد دیوارهایی همراه با خندق دفاعی، کانال آب و قلعه یعنی پادگان نظامی مواجه هستیم. بدین سان، با استحکاماتی که در سواحل جنوبی دریاچه کاسپی ساخته شدند، دشمنانی که در آن سوی مرزهای گرگان، در دهستان و آن طرف سواحل دریاچه گرد آمده و آماده یورش بودند، نتوانستند به سرحدات شمالی دولت ساسانی دست یابند.

منابع و مأخذ

فارسی:

- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن، ۱۳۹۳، *تاریخ طبرستان*، پژوهش و راستینه‌گرایی: افشین پرتو، تهران: میرماه.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، ۱۳۴۷، *مسالك و ممالك*، ترجمه: محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۷۳، *التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سوادکوه مازندران)*، تصحیح و پژوهش: مصطفی احمدزاده، تهران: فکر روز.
- املشی، بهاءالدین (میزان)، ۱۳۵۲، *گوشه‌هایی از تاریخ گیلان*، تهران: بهمن.
- آذروند، عباس، ۱۳۹۶، *وضعیت اقوام بومی مستقر در حاشیه جنوبی دریای کاسپی پس از ورود آریایی‌ها*، همایش ملی تالش‌شناسی، به کوشش: ولی جهانی و حمید فهیمی، تهران: ایران نگار و اداره کل میراث فرهنگی.
- آورزمانی، فریدون، ۱۳۹۳، *هنر ساسانی*، تهران: پازینه.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، ۱۳۷۵، *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ترجمه: لیلا ربن شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بدیعی، ربیع، ۱۳۶۲، *جغرافیای ملل ایران*، تهران: اقبال.
- برزگر، اردشیر، ۱۳۸۸، *تاریخ تبرستان پیش از اسلام*، پژوهش و تصحیح: محمد شکری فومشی، تهران: رسانش.
- بیات، عزیزالله، ۱۳۷۳، *کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران*، تهران: امیرکبیر.
- بیگدلی، علیرضا، ۱۳۸۲، "دریای خزر در نقشه‌های دیرین"، *مجله راهبرد*، ۲۷، صص ۳۸۹-۴۰۰.
- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله)، ۱۳۷۵، *تاریخ ایران باستان دوره ساسانیان*، ج ۴، تهران: دنیای کتاب.

- تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۷۵، *آبسکون یا جزیره آشوراده*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- توفیق، سامان، پاییز ۱۳۹۷، "دربند کولا، آوردگاه راهبردی اسپهبدان تبرستان در برابر عرب"، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش ۱۸، دوره ششم، صص. ۱۲۴-۱۲۵.
- جلیلیان، شهرام، ۱۳۹۶، *تحولات سیاسی ساسانیان*، تهران: سمت.
- جواد، غلامرضا، ۱۳۸۰، *مدیریت در ایران باستان*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جهانی، ولی، ۱۳۸۶، *قلعه‌های گیلان*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۹۱، *جغرافیا سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- حبیبی، سید محسن، ۱۳۹۷، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر*، چ ۱۷، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دریایی، تورج، ۱۳۹۲، *ناگفته‌های امپراتوری ساسانیان*، ترجمه: آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، مجموعه هزاره‌های دنیای باستان، ش ۱: زیر نظر: اسماعیل سنگاری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- رضا، عنایت‌الله، ۱۳۷۱، "در باره کاسپیان و دریای کاسپی" مجله علوم سیاسی، ش ۱، صص ۱۵۸-۱۵۱.
- ، ۱۳۸۷، *نام دریای شمال ایران*، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ، ۱۳۸۹، *ایران و ترکان در روزگار ساسانیان*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ستوده، منوچهر، ۱۳۷۴، *از آستارا تا استرآباد*، آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس، ج ۱، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- سلیمانی، مرضیه، ۱۳۹۱، "همه چیز در باره خزر"، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۶۷، صص ۵۸-۵۴.
- سورتچی، سامان، ۱۳۸۵، *گزارش کاوش باستان‌شناسی قلعه کنگلو*، مازندران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- شاپور شهبازی، علیرضا، ۱۳۸۹، *تاریخ ساسانیان از نگاه طبری و بلعمی*، تهران: نشر مرکز.
- صفت‌گل، منصور و محمدباقر وثوقی، ۱۳۹۵، *اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران*، تهران: سازمان بنادر و دریانوردی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۲، *تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)*، ج ۲، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عابدینی عراقی، مهدی، ۱۳۹۶، *بررسی سه ظرف سیمین نویافته ساسانی در مازندران*، مازندران: سازمان میراث فرهنگی مازندران.
- عظیمی، ناصر، ۱۳۹۵، *تاریخ گیلان*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- علی‌بیگی، عبدالله، ۱۳۷۶، "بحر خزر یا دریای مازندران"، مجله علوم سیاسی، ش ۶۷، صص ۳۰-۲۹.
- عمرانی‌رکاوندی، حمید، ۱۳۸۶، *گزارش بررسی و گمانه‌زنی دیوار بزرگ گرگان مرز شکوهمند امپراتوری ساسانی*، هیئت مشترک ایران و بریتانیا، گرگان: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۷۳، *میراث باستانی ایران*، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فومنی، عبدالفتاح، ۱۳۵۳، *تاریخ گیلان*، مقدمه و تصحیح: عطاءالله تدین، تهران: فروغی.
- کولسنیکوف، الی ایوانوویچ، ۱۳۸۹، *ایران در آستانه سقوط ساسانیان*، ویراستار: نینا ویکتورونا پیگولفسکیا، ترجمه: محمدرحیم یحیایی، تهران: کندوکاو.

کریستنسن، آرتور، ۱۳۷۰، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه: رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

-----، ۱۳۸۶، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه و تحریر: مجتبی مینوی، تهران: اساطیر.

کسروی، احمد، ۱۳۵۳، *شهریاران گمنام*، تهران: امیرکبیر.

کفاشی، محمدقاسم، ۱۳۸۱، *گزارش ساماندهی، مرمت و تثبیت بقایای معماری قلعه تاریخی مارکوه*، مازندران: میراث فرهنگی استان مازندران.

کیانی، محمدیوسف، ۱۳۷۹، *معماری دوره اسلامی، تهران: سمت.*

گلسترخی، ایرج، ۱۳۷۳، "دریای خزر در روند توسعه"، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، علوم سیاسی، ش ۵، صص ۳۶-۲۱.

محمودآبادی، سید اصغر، ۱۳۹۲، *تاریخ ایران در عهد ساسانیان*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

مسعودی، ابوالحسن، ۱۳۷۰، *مروج الذهب*، ج ۲، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مشکور، محمدجواد، ۱۳۹۳، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.

معطوفی، ۱۳۷۴، *استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران*، مشهد: درخشش.

مهبجوری، اسمعیل، ۱۳۸۰، *تاریخ مازندران*، تهران: توس.

نفیسی، سعید، ۱۳۸۴، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، تهران: اساطیر.

نوروززاده چگینی، ناصر، ۱۳۶۶، "مازندران در دوران ساسانی (۱)"، *مجله باستانشناسی و تاریخ*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، س ۱، ش ۲، صص ۲۹-۲۱.

-----، ۱۳۶۷، "مازندران در دوران ساسانی (۳)"، *به سرپرستی: نصرالله پورجوادی*، مجله باستانشناسی و تاریخ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ش ۴، سال دوم.

نوکنده، جبرئیل، حمید عمرانی رکاوندی و قربانعلی عباسی، ۱۳۸۴، *گزارش کاوش باستان‌شناسی فصل سوم دیوار بزرگ گرگان*، گرگان: پایگاه میراث فرهنگی دیوار بزرگ گرگان.

یارشاطر، احسان، ۱۳۷۷، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده: احسان یارشاطر، ج ۳، قسمت دوم، ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

لاتین:

Gyselen R. 2012, 'Le Tabaristan: Lieu de Mémoire Sassanide', in *Objets et Documents Inscrits en pārsīg, Res Orientales XXI*, R. Gyselen (ed.), Bures-sur-Yvette, Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient, Paris, pp 109-121